| تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۴/۱۲ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۶/۲۳ |

ماهیت و فرایند آینده‌پژوهی علوم انسانیِ اسلامی

علی اصغر سعدآبادی

استادیار گروه سیاست‌گذاری علم و فناوری، پژوهشکدهٔ مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ایران.

a_sadabadi@sbu.ac.ir

زهره رحیمی‌راد

دانش‌آموختهٔ دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوریِ دانشگاه مازندران. مازندران. ایران.

zrahimi.rad@gmail.com

حسین عظیم‌زاده

دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌ها، دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ایران.

hossein_azimzadeh7@yahoo.com

چکیده

به‌راحتی می‌توان ادعا کرد که علوم انسانی غربی، با یافته‌ها و اظهاراتش، دست‌کم در موارد فراوانی با دین و ارزش‌های دینی و فرهنگی ما در تضاد و تقابل است؛ زیرا علوم انسانی موجود براساس مبانی و تفکرات اومانیستی، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گراییِ ناشـــی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انسان غربی طراحی، تولید و تدوین شـــده اســـت. ازاین‌رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی‌کردن آنها بیش‌ازپیش بر همگان محرز می‌شـــود. این موضوع از همان ســـال‌های ابتداییِ انقلاب اسلامی به‌عنوان مسئله‌ای اساسی موردتوجه بوده است و علاوه‌برآن، توجه به علوم انســـانی، همواره از مطالبات جدی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بوده است.

ازآنجاکه علوم انســـانیِ اســـلامی، به‌عنوان روح همهٔ علوم، می‌تواند به علوم دیگر جهت دهـــد و آنها را علاوه بر شـــئون مـــادی، در جنبه‌های معنوی انســـانی نیز اثربخش سازد، در این پژوهش کوشیده‌ایم به این موضوعات بپردازیم: تبیین لزوم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

آینده‌پژوهی علوم انسـانیِ اسلامی در دانشـگاه‌های ایران؛ نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشـگاه‌ها در حوزهٔ علوم انسانیِ اسلامی؛ فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانیِ اسلامی براساس نظر جوزف وروس.
کلیدواژه‌ها: علوم انسـانی اسلامی، آینده‌پژوهی علوم انسـانی اسلامی، فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی اسلامی، جوزف وروس[1].

مقدمه

تغییروتحول یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و رونـدی پیوسـته و طـولانی دارد. دگرگونی در همهٔ زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتـداد داشـته است و خواهـد داشـت. این تغییرات، در آینده مسـئله‌هایی را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... برای جامعه ایجاد خواهند کرد که نشانه‌های پیدایش آنهـا در زمـان حـال نیز مشـهود اسـت.

مسئله‌های پیش رو در محورهای پرشماری درخور توجه است:

- مسـئله‌های اجتماعی (گسـترش فقر و ناامنی، بی‌اعتبار شدن ارزش‌ها و سنت‌ها در نظام شهری و ...)؛
- مسئله‌های فرهنگی (شـکل‌گیری بنیان‌های جدید فرهنگی براسـاس اختلاط فرهنگ‌ها، دگرگونی در روابط خانوادگی، شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی نوین و...)؛
- مسئله‌های سیاسی (گسترش گرایش‌های مذهبی، قومی و ملیتی در بین جوامع و ...)؛
- مسئله‌های اقتصادی (ورشکسـتگی اقتصادهای بزرگ جهانی، افزایش درخواست انرژی، تنوع تولیدات، کاهش درآمد مردم و ...)؛
- مسئله‌های علمی (رشـد صنایع فکری، رشـد نقش دانایی در ارزش‌افزاییِ سرمایه، غلبهٔ نرم‌افزار بر سخت‌افزار در امور اجتماعی و ...)؛
- مسـئله‌های نظامی (اختراعات نـو در صنایع نظامی، پیچیده‌شـدن شـیوه‌های دفاعی، شکل‌گیری شیوه‌های جدید جنگ و دفاع و ...).

همان‌گونـه که از این محورها برمی‌آید مسـئله‌های پیش رو، تمـام عرصه‌های علوم را دچار دگرگونـی خواهد کرد. بنیان‌گذار جمهوری اسـلامی ایران، حضرت امام خمینـی (ره)، به‌عنوان آینده‌نگری برجسـته، ضرورت نگاه به آینده را تشـخیص داده و گوشـزد نموده‌اند: «... چه‌بسـا

1. Joseph Voros.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

شـــیوه‌های رایج ادارهٔ امور مردم، در ســـال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (صحیفه امام، ج۲۱، ص۲۹۲).

پایه‌ها و مبانیِ پیشـــرفت و استقلال هر کشوری در نظام آموزشـــی و پژوهشی آن قرار دارد. به اعتقاد بســـیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، علوم انســـانی در این نظام سهمی حیاتی و نقشی اساسی دارد. نقش آشکار علوم انسانی در تبیین مبادی و مبانی علوم تجربی و ریاضی، مؤید جایگاه خطیر علوم انســـانی است و علوم انســـانی عامل تعیین‌کنندهٔ اهداف، غایات و روش استفادهٔ علوم دیگر است. چنان‌که علوم دیگر به‌لحاظ نظری و ارزشی و کاربردی، محاط بر علوم انسانی و در آن غوطه‌ورند (احمدی، ۱۳۸۸، ص۲۱). علوم انســـانی وظیفهٔ مطالعه و بررسی انسان، رفتار و ابعاد زندگـــی وی را بر عهده دارد و مســـئول ارائهٔ راهکارهای مفید و کارآمـــد برای زندگی بهتر و کامل‌تر اوســـت. مسلماً تولید و تقویت این علوم و ارتقای جایگاه آنها نقش بسزایی در رشد و تعالی کشور، جامعه، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی آن خواهد داشت.

علوم انســـانی رایج امروز، که خاســـتگاه آنها بیشتر غرب اســـت، محتواهایی دارد که ماهیتِ معـــارض و مخالف با آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی دارد؛ زیرا این علوم بر جهان‌بینی مادی متکی بـــوده و با روش متفاوت، اهداف ویـــژه‌ای را دنبال می‌کنند. به‌راحتـــی می‌توان ادعا کرد که علوم انســـانی غربی با یافته‌ها و اظهاراتش، دســـت‌کم در موارد فراوانی با دین و ارزش‌های دینی و فرهنگی ما متضاد و در تقابل است؛ زیرا علوم انسانی موجود براساس مبانی و تفکرات اومانیستی، پلورالیســـم، سکولاریسم و نسبی‌گراییِ ناشی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انسان غربی طراحی، تولید و تدوین شده‌اند. ازاین‌رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی‌کردن آنها، بیش‌ازپیش بر همگان محرز است.

بنابرایـــن، بازنگری در مبانـــی و محتوای علوم انســـانی و به‌عبارتی اســـلامی‌کردن آنها، یکی از ضرورت‌های جامعهٔ اســـلامیِ کشور ماست که باید مبنای سیاســـت‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای علمی‌پژوهشی کشـــور قرار بگیرد. امروزه بیشـــتر مسئولان، اندیشـــمندان و محققان بر اهمیت و ضرورت اسلامی‌کردن آنها و به‌عبارتی، تحول و انقلاب در این علوم توافق دارند.

علوم انســـانیِ اســـلامی، دیدگاهی اســـت که از تأکیدهای امام خمینی (ره) بر اسلامی‌کردن دانشـــگاه و سفارش‌های مکررِ مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر تولید علوم و نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ دینی و بومی نشئت گرفته است.

روشن و درخشـــان بودنِ آیندهٔ علوم انسانیِ اسلامی، شوق دانشمندان را برای تلاش و مجاهده

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

افزایش و در مقابل، تیره‌وتار دیدن آیندهٔ این علوم، انگیزه‌ها را کاهش می‌دهد. بر این اســاس است که یکی از اهداف دشــمن در جنگ نرم نیز به همین موضوع تعلق گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در این زمینه می‌فرمایند:

> [می‌خواهنــد] باورهای این مردم را عــوض کنند؛ هدف جنگ نرم، تغییر باورهاســت. باورها مثل چه‌چیزهایی؟ ... باور به آینده، ... امید به آینده، باور به آینده، اینکه ما بالأخره این‌جور خواهیم شــد؛ این‌جور خواهیم شد؛ اینها خیلی مهم است. بنده بنشینم اینجا و به مخاطبین -که قبول هم می‌کنند- بگویم شــما باید کاری کنید که پنجاه ســال دیگر، چهل سال دیگر، هرکس بخواهد به پیشرفت‌های علمیِ دست‌اول دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارســی یاد بگیرد؛ این یک آینده است، یک آیندهٔ مشعشع است؛ این را جوان قبول می‌کند، می‌پذیرد، فکر می‌کند این کار شدنی است که واقعاً هم شدنی است، قطعاً شــدنی اســت. [می‌خواهند] این باور به آینده را تغییر بدهند؛ [که] آقــا فایده ندارد، آقا بی‌خودی حرکت می‌کنید. پس تغییر باورها، ازجمله باور به آینده است (هلودی، ۱۳۹۵، ص۳۳).

روند کنونی پیشرفت کشــور نیز نشان می‌دهد نیاز جدی به نظریات بومی و کاربردی در حوزهٔ علوم انســانی اسلامی، به‌شدت در فضای مدیریتی جامعه احساس شده است و نقطهٔ تمرکز علمی کشور به‌زودی به رشته‌های علوم انسانیِ اسلامی منتقل خواهد شد. به همین دلیل می‌توان پیش‌بینی کــرد که در آیندهٔ نزدیک شــاهد مطالبه و توجه جدی همهٔ حوزه‌های اجرایی و مدیریتی کشــور به متخصصان و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون علوم انسانیِ اسلامی خواهیم بود.

بی‌شک، ایجاد تغییرات مطلوب و رســیدن به آیندهٔ موردنظر در علوم انسانی اسلامی، نیازمند پیش‌بینی آینده از حیث شــناخت عوامل مؤثر بر تغییرات در این حوزه اســت. شناسایی حوزه‌های ارزش‌آفرین در آیندهٔ علوم انســانیِ اســلامی، شمارشِ فضاهای بهبود و رشــد در آینده، شناخت نیازهای ذی‌نفعان آیندهٔ علوم انســانیِ اسلامی و ســازگاری به‌موقع با تغییرات، بخشی از الزامات شــناخت آیندهٔ علوم انسانی اسلامی اســت. با وجود اهمیت علوم انســانیِ اسلامی در بین علوم گوناگون در کشور، تاکنون پژوهش‌های اندکی به پرسش‌ها و موضوعات زیر توجه داشته‌اند.

- ضرورت آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی چیست؟
- جهت آیندهٔ علوم انسانی اسلامی به چه صورتی است؟
- مؤلفه‌های تاثیرگذار در این حوزه کدام‌اند؟
- علوم انسانی اسلامی چه اهدافی را در آینده دنبال خواهد کرد؟

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

- چه ابزارهایی برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی وجود دارد؟

با توجه به پرسش‌های پیش‌گفته و به‌منظور پاسخ‌گویی به تعدادی از این پرسش‌ها، در پژوهش حاضر کوشـیده‌ایم به این موضوعات بپردازیم: تبیین لزوم آینده‌پژوهی علوم انسـانی اسـلامی در دانشـگاه‌های ایران؛ نقش آینده‌پژوهی در دسـتیابی به اهداف دانشـگاه‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی؛ فرایند آینده‌نگاری علوم انسانی اسلامی بر اساس نظر جوزف وروس.

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

آینده‌پژوهی در پی آن است که با بهره‌گیری از تحلیل وضعیت موجود، شناسایی سازوکارهای تغییر و تعریف سـناریوهای گوناگون، توسـعه و بهبود را در آینده‌های محتمـل و ممکن پیش‌بینی کند. تصمیم‌های خوب به‌طور کامل به دورنگری بسـتگی دارد. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت اسـت؛ در این دنیای پرتغییر، دیگر سـنت‌های قدیمی شـکل‌دهندهٔ آینده ما نیستند، بلکه ما خود باید آینده‌مان را بیافرینیم تا بتوانیم خود، سـازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده سازیم (واعظی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۳۳).

نخسـتین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب تحلیلی علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ میلادی و از سوی گروهی از محققان به سرپرستی آگبرن،[1] در زمینهٔ جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. پس از آن، استادی آلمانی به نام اوسیپ[2] از اواسط دههٔ ۱۹۴۰ میلادی اصطلاح «آینده‌شناسی» را باب کرد که به‌معنای مطالعهٔ آینده و درنظرگرفتن احتمالات پیش رو بود (تیشه‌بار، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

ازجمله مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از: پویش محیطی؛ تحلیل تأثیرات متقابل؛ تحلیل تصمیم؛ مدل‌های تصمیم‌گیری؛ روش دلفی؛ اقتصادسـنجی؛ حلقه آینده‌ها؛ بازی‌سازی و شبیه‌سازی؛ پیش‌بینی هوشمندانه و شهود؛ تحلیل ریخت‌شناسی؛ روش‌های مشارکتی؛ درخت‌های وابستگی؛ سناریوها؛ مدل‌سازی آماری؛ پویایی سیستم؛ تحلیل ساختاری؛ تحلیل زنجیرهٔ فناوری؛ پیش‌بینی‌های سـری‌های زمانی؛ تحلیل و تأثیر روند؛ تحلیل لایه‌ای علت‌ها؛ مدل‌سازی عاملی؛ کاهش ناهم‌سانی زمینه‌ای؛ نگاشت مسیر؛ متن‌کاوی (کراوزیچ و اسلاگتر، ۲۰۱۰، ص۷۶).

یکی از ضرورت‌های کنونی کشـورها توجه ویژه به پیش‌بینی شـرایط آینده و تعیین اسـتراتژی متناسـب با آن است. آینده‌پژوهی در کشـور ما نیز می‌تواند در حوزه‌های گوناگونی همچون علم، سیاست، انرژی، اقتصاد، آموزش و الگوی اسلامی ایرانی انجام شود.

1. Ognurn.
2. Osipp.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

یکی از بخش‌هایی که پژوهش‌های اندکی در آن انجام شده، آینده‌پژوهی در حوزهٔ علوم انسانی اســـلامی کشور است؛ علوم انســـانی به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که یا مرتبط با سرشت انســـانی و فرهنگ اوســـت یا مجموعه‌ای از روش‌های انتقادی و تحلیلـــیِ برآمده از تحقیق درباره ارزش‌ها و توانایی‌های منحصربه‌فرد اوســـت. این علوم به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی از حیث محتوا و روش، از علوم طبیعی و علوم زیســـتی متمایز هســـتند. علوم انسانی شامل مطالعهٔ همهٔ زبان‌ها و ادبیات، هنرها، تاریخ و فلســـفه است (عبدی، ۱۳۹۲، ص۲). آینده‌پژوهی اسلامی نیز نسخهٔ بدیل آینده‌پژوهی رایج است که تاکنون در عمل شکل نگرفته است. برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی باید توجه داشـــت که آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و بســـتر این دو، نگرش حاکم بر جامعه اســـت. این ســـه، نظامی را با عنوان نظام نگرش آینده‌پژوهی شـــکل می‌دهند که ترسیم‌کنندهٔ ابعاد نظری و کاربردی آینده‌پژوهی است.

آینده‌پژوهی اســـلامی در قالب نظام نگرش آینده‌پژوهی اسلامی شکل می‌گیرد. نظام‌های رایج و اســـلامی به‌طور کامل، مستقل از یکدیگر نیســـتند و افزون بر وجوه افتراق، دارای وجوه اشتراکی نیز هســـتند. البته در مبانی و سطوح کلان، اشتراکات ناچیز است. ضمن آنکه دین مبین اسلام تنها عاملِ اصلی و اساســـیِ تفاوت این دو نظام به‌شمار نمی‌رود، شـــرایط و اقتضائات زمانی و مکانیِ شـــکل‌گیری نظامِ نگرش آینده‌پژوهی اسلامی نیز سبب آشکارشـــدن تفاوت‌هایی بین این دو نظام می‌شود (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۴، ص۷۷).

در ادامه، به‌منظور آگاهی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ آینده‌پژوهیِ علوم انسانیِ اسلامی، جامعهٔ مطلوب اســـلامی و همچنین آینده‌پژوهی با رویکرد اســـلامی، به تعدادی از این پژوهش‌ها (به‌ترتیبِ تاریخِ انجام) اشاره می‌کنیم.

۱. فاضل قانع (۱۳۸۸) آینده‌پژوهی و جامعهٔ مطلوب اســـلامی را بررســـی کرده است. در این پژوهش آمده اســـت که اسلام نیز علاوه بر جامعهٔ آرمانی، که نوید تحقق آن را در فرجام تاریخ داده اســـت، از پیروان خود انتظار دارد با الهام از شاخص‌های آن جامعهٔ آرمانی، به اقتضای امکانات و توانمندیِ اجتماعیِ خود، بکوشند تا در روندی تکاملی، حداقل‌هایی از ویژگی‌های جامعهٔ مطلوب اسلامی را محقق سازند. می‌توان با الهام از آموزه‌های اسلامی همچون سنت‌های اجتماعی و صبغهٔ عبرت‌آموزی آن و فلســـفهٔ انتظار، نوعی آینده‌پژوهیِ دینی را اســـتخراج نمود که حاصل آن، ترسیم چشـــم‌اندازی دقیق از آینده‌ای آرمانی باشد. با هدف قرار دادنِ این آیندهٔ مطلوب، می‌توان آینده‌های مقدور را به‌عنـــوان حلقه‌های میانی نیل به ویژگی‌های جامعهٔ آمـــادهٔ ظهور، طراحی و تعریف کرد (فاضل قانع، ۱۳۸۸، ص۴۵).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

۲. عیوضی و پدرام (۱۳۹۰) نقش آینده‌پژوهان در شـکل‌گیری آینده‌پژوهی اسـلامی را تبیین کرده‌انـد. آنها ابتدا اهمیت و جایـگاه والای آینده‌پژوهان در فرایند آینده‌پژوهـی را ارائه کرده‌اند و سپس با برشـمردن ویژگی‌های مشترک آینده‌پژوهان، نقش آینده‌پژوهان در بومی‌سازی آینده‌پژوهی را بررسـی کرده‌اند. آینده‌پژوهان اسـلامی، یکی از مؤلفه‌های طراحی آینده‌پژوهی اسـلامی‌اند. آینده‌پژوهان اسلامی افزون بر ویژگی‌های مشترک آینده‌پژوهان، باید باورها و توانمندی‌های دیگری داشـته باشـند تا بتوانند آینده‌پژوهی اسلامی را شـکل دهند. این ویژگی‌ها در این پژوهش معرفی شده‌اند و تفاوت‌های آینده‌پژوهان اسلامی و سـکولار آشکار و نشان داده شده است. آینده‌پژوهی اسلامی بدون آینده‌پژوهان اسلامی شکل نخواهد گرفت (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۰، ص۲۵).

۳. میرزاپـور ارمکـی (۱۳۹۰) اهمیت و ضرورت تحول علوم انسـانی و تولیـد علم دینی و راهکارهای تحقق آن را بررسـی کرده است. او یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ و نگرش بنیادیِ حاکم بر جامعه را مبانی و مفاهیم علوم انسـانی می‌داند که از طریق نظام دانشـی در بستر جامعه بسط می‌یابد. علوم انسانی مهم‌ترین عنصر تمدنی انسجام‌ساز است؛ زیرا مهم‌ترین رسالت علوم انسانی، سیاسـت‌گذاری کلان در جامعه است. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری درباره علوم انسانی به‌معنای «سیاست‌گذاریِ سیاست‌گذاری» اسـت. در این پژوهش، ضمن تبیین اهمیت و ضرورت تحول علوم انسـانیِ موجود و آسیب‌شناسـی وضعیت علوم انسانی موجود، مناسب‌ترین راهکار در راسـتای تحول علوم انسـانیِ موجود و تولید علوم انسانی اسـلامی نیز ارائه شده است (میرزاپور ارمکی، ۱۳۹۰، ص۶۹).

۴. محیطی اردکان و مصباح (۱۳۹۱) پژوهشی را درخصوص بایدها و نبایدهای اسلامی‌سازی علوم انسـانی از دیدگاه علامه مصباح انجام داده‌اند. در این پژوهش با بررسی آثار علامه مصباح، کوشـیده‌اند پس از تبیین دو کلیدواژه «علوم انسـانی» و «علوم انسـانی دینـی» و نیز مروری بر ضعف‌های علوم انسـانی موجود، به بررسـی ضرورت اسلامی‌سـازی علوم انسـانی و موانع و راهکارهای پیش روی علوم انسانی اسلامی بپردازند. در پایان نیز به شرایط عام اسلامی‌سازی علوم از دیدگاه علامه مصباح پرداخته‌اند (محیطی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص۱۳۷).

۵. تقوی (۱۳۹۲) علوم انسانیِ اجتماعیِ اسلامی و تحقق آرمانِ علوم انسانیِ اجتماعیِ اسلامی را بررسی کرده اسـت. این پژوهش از دو بخش تشکیل شده است: در بخش نخست، به‌اختصار، دلایلی برای امکان‌پذیری علم انسـانیِ اجتماعیِ اسـلامی و در بخش دوم، بسته‌ای راهبردی برای تحقق آرمان علوم انسانیِ اجتماعیِ اسلامی ارائه شده است. راهبردهای پیشنهاد شده عبارت‌اند از: ۱. تبیین ضرورت علوم انسـانیِ اجتماعیِ اسلامی؛ ۲. تبیین مبانی، نظریه‌ها و روش‌های برآمده از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

دین در حوزهٔ علوم انسانیِ اجتماعی؛ ۳. تقویت فعالیت‌های سیاست‌گذارانه در عرصهٔ علوم انسانیِ اجتماعی؛ ۴. تقویت و جهت‌دهی جامعهٔ علمی کشـــور در این حـــوزه از علوم؛ ۵. بهره‌برداری از علوم انسانیِ اجتماعیِ به‌دست‌آمده با رهیافت اسلامی (تقوی، ۱۳۹۲، ص۹۷).

۶. عیوضی و پدرام (۱۳۹۳) امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اســـلامی را بررســـی کرده‌اند. آنها آینده‌پژوهی اســـلامی را نســـخهٔ نو و بدیـــل آینده‌پژوهی برمی‌شـــمارند که افزون بر سازگاری با جهان‌بینی اســـلامی، از آموزه‌های اسلام به شیوه‌ای حداکثری بهره می‌گیرد. این نسخه از آینده‌پژوهی تاکنون شـــکل نگرفته اســـت و برای عینیت بخشیدن به آن، مسیری طولانی در پیش است. گام نخســـت، توجیه امکان‌پذیری آینده‌پژوهیِ اسلامی اســـت؛ زیرا بیشتر آینده‌پژوهان این دانش را سکولار می‌دانند. پس از آن، باید مسیر تحقق آینده‌پژوهیِ اسلامی را ترسیم کرد (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص۳۵).

۷. میرنصیری و ســـاجدی (۱۳۹۵) هدف علوم انسانی اســـلامی از منظر علامه طباطبایی را بررسی و پژوهش کرده‌اند. از منظر علامه طباطبایی، هدف‌هایی که محققان برای پژوهش در علوم انســـانی برمی‌گزینند، نقش بســـزایی در چگونگی تدوین، انتخاب روش و تعیین نوعِ مسائل علوم انســـانی دارد. هدف از تحقیق تا حدی به ماهیت موضوع و انگیزه‌ها و ارزش‌های پذیرفته‌شـــده از سوی محقق وابسته است. دیدگاه متفاوت محققان اسلامی درباره ماهیت موضوع و همچنین اتخاذ ارزش‌های اسلامیِ پذیرفته‌شده از سوی ایشان، علوم انسانیِ اسلامی را تا اندازه‌ای متفاوت با علوم انسانیِ موجود به تصویر می‌کشد.

علامه طباطبایی به‌عنوان یکی از بارزترین متفکران اســـلامی، در برخی مســـائل علوم انسانی نظریه‌پردازی کرده اســـت. توجه به رویکرد ایشان و همچنین دقت در قراینی که در نظریهٔ اعتباریات ایشـــان وجود دارد، ما را به این امر رهنمون می‌کند که علوم انســـانی از منظر ایشان بر علوم عملی، تطبیق‌پذیرند. درنتیجه، هدف نهاییِ علوم انسانی، ارائهٔ بایدها و نبایدهایی برای تحقق نظام آرمانی اســـلامی است؛ نظامی که در آن، شرایط برای تکامل فرد و جامعه به‌طور مطلوب و طبق آموزه‌های ارزشیِ دین مبین اسلام فراهم است. از منظر ایشان، علاوه بر تبیین و تفسیر، انتقاد و ارائهٔ هنجارهای مطلوب نیز به‌منظور ترســـیم نظام آرمانی در زمرهٔ اهداف علوم انســـانی قرار می‌گیرد (میرنصیری و ساجدی، ۱۳۹۵، ص۱۶۹).

۸. عرب و عیوضی (۱۳۹۶) از طریق مطالعهٔ روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه، به بررســـی آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اســـلامی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش اجرای بخشـــی از امکان‌ســـنجی آینده‌پژوهی اسلامی (در نظام مدیریت اســـلامی) از طریق بررسی روش‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

آینده‌پژوهی (از حیث الزامات روش‌شناسی) و مطالعهٔ تطبیقی آن با اجتهاد در فقه امامیه است. پژوهش ایشان نشان داد که اولاً، روش‌شناسی اجتهاد می‌تواند بخش زیادی از الزامات روش‌شناسی آینده‌پژوهی را (حتی بیش از دیگر الگوواره‌ها) پاسخ گوید؛ ثانیاً، در مسیر تحقق آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی، حد لازم از تناسب و تناظر در لایهٔ روش‌شناسی، بین مطالعات آینده‌پژوهی و روش اجتهاد در مطالعات اسلامی وجود دارد (عرب و عیوضی، ۱۳۹۶).

۹. منطقی و همکاران (۱۳۹۶) مدل مفهومی روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی را ارائه کرده‌اند. مدل روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی که در این پژوهش ارائه شده است، ترکیبی از روش‌شناسی‌های تحلیلی و تفسیری و شهودی است. هریک از روش‌شناسی‌های پیش‌گفته در آینده‌پژوهی اسلامی اهمیتی ویژه دارد و امکان بهره‌مندی هم‌زمان از دو یا چند روش به‌طور ترکیبی در آینده‌پژوهیِ اسلامی نیز وجود دارد (منطقی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۹۵۲).

۱۰. کریمی (۱۳۹۶) به بررسی مبانی انسان‌شناختی علوم انسانیِ اسلامی در قرآن کریم پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش او، برای تولید علم در هریک از رشته‌های علوم انسانی، ویژگی‌های انسان، ظرفیت‌های خاص او و عوامل تکامل و انحطاطش باید روشن شود. اینها همه می‌تواند در نوع، کیفیت و نتایج علوم انسانی اثرگذار باشد. به همین دلیل، مبانی انسان‌شناختیِ علوم انسانیِ غربی با مبانی انسان‌شناسی علوم انسانیِ اسلامی متفاوت است. علوم انسانیِ نشئت‌گرفته از غرب، نتایج و عواقبی را برای فراگیران و دانشمندان این کشورها در بر خواهد داشت که در موارد زیادی با فرهنگ، دین، ارزش‌ها و هنجارهای جامعهٔ اسلامی در تعارض است.

کریمی برای حل این مسئله، بخشی از مبانی علوم انسانی را با استناد به قرآن کریم بررسی کرده است. مبانی‌ای که به شناخت انسان و ویژگی‌های او مربوط می‌شود و می‌تواند دستاوردهای علوم انسانی را تغییر دهد و درعین‌حال، در آثار موجود به‌طور نظام‌مند به آنها پرداخته نشده است. در این پژوهش شش مبنا بررسی شده است که از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی در علوم انسانی اسلامی هستند و می‌توانند سرنوشت علوم انسانی موجود را تغییر دهند (کریمی، ۱۳۹۶، ص۲۳۱).

۱۱. همدانی (۱۳۹۹) به تحلیل یکی از ساحت‌های بسیار مهم در علوم انسانیِ اسلامی پرداخته است که ظرفیت زیاد و منحصربه‌فردی در به‌کارانداختن منابع اسلامی برای تولید علوم انسانی دارد؛ یعنی نظریهٔ هنجاری. این پژوهش فرایند تولید نظریهٔ هنجاریِ اسلامی در علوم انسانی را در هفت مرحله تحلیل کرده است: شناخت مشکل اجتماعی؛ تولید پرسش هنجاری؛ عرضه کردن پرسش هنجاری به مبانی مفهومی علوم انسانی، تحلیل‌های عقلی و پاسخ‌خواهی از ایشان؛ تولید پرسش‌های تفصیلیِ صورت‌بندی‌شده براساس مدل مفهومی؛ عرضه‌کردن پرسش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

هنجاریِ تفصیلی به متون اسلامی؛ تولید نظریهٔ هنجاری براساس مبانی پارادایمیِ اسلامی در شش بُعد، یعنی بیان الگوهای کنشی، الگوهای ترغیبی، الگوهای تحذیری، بیان هنجارها، بیان آثار و بیان محتوا؛ عرضهٔ دوسویه نظریهٔ هنجاری و واقعیتِ عینی بر یکدیگر (همدانی، ۱۳۹۹، ص۱۰۱).

با مرور پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون، می‌توان دریافت که در هیچ‌یک از آنها به مسئلهٔ آینده‌پژوهیِ علوم انسانیِ اسلامی توجه ویژه‌ای نشده است و به‌تبع، فرایندی نیز برای آن وجود ندارد؛ به این سبب و در شرایطی که تحول در علوم انسانی و سیاست‌گذاری کشور در جریان است، استخراج فرایندی برای آینده‌پژوهیِ علوم انسانی اسلامی، امری ضروری به نظر می‌رسد. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با تدوین نقشهٔ راه تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی که از سویی فرایند و مسیر تولید علوم انسانی از ابتدا تا گام‌های نهایی را در قالب الگویی اجرایی و معین ارائه کند و از سوی دیگر، وظایف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی گوناگون و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مؤثر در این حوزه را مشخص نماید.

آینده‌پژوهی و علوم انسانی اسلامی

آینده‌پژوهیِ علوم انسانی اسلامی به چند دلیل ضرورتی ویژه دارد: جایگاه خاص آن در بین دیگر علوم و معارف به‌طور عام؛ موقعیت خاص علوم انسانیِ اسلامی در برابر صنعت و تکنولوژی؛ موقعیت ارزشی علوم انسانی اسلامی در برابر دیگر علوم و صنایع. آینده‌پژوهان در هر حوزه و قلمرویی می‌کوشند با تصویر کردن شمار هرچه بیشتری از آینده‌های ممکن (در حد توانایی ذهنی خود؛ زیرا آینده‌های ممکن، نامتناهی‌اند) برای مشخص کردنِ آینده‌های محتمل از درون این آینده‌های ممکن زمینه‌سازی کنند. آن‌گاه از بین این آینده‌های محتمل، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین آینده‌ها شناسایی و کوشش می‌شود تا برای تحقق دستهٔ نخست و جلوگیری از وقوع دستهٔ دوم، برنامه‌ریزی‌های مناسبی انجام شود. در مطالعات آینده‌پژوهی دست‌کم می‌توان دو رویکرد گوناگون را دربارهٔ آیندهٔ علوم انسانی اسلامی مطرح کرد (شکل ۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]



شکل ۱. رویکردهای گوناگون در آیندهٔ علوم انسانی اسلامی

محققان «آینده‌پژوهی علم» را تلاشی نظام‌مند به‌منظور نگاه به آیندهٔ بلندمدت علم، فناوری، اقتصاد و جامعه با هدف شناسایی حوزه‌های پژوهشی استراتژیک و نوظهور معرفی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که شناسایی چنین حوزه‌هایی می‌تواند به بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی منجر شود. آینده‌پژوهی علم در اصل رویکردی است که از جبرگرایی حاکم بر مطالعات تاریخی یا قطعیت‌گرایی رایج در مطالعات اثباتی درباره پیش‌بینی‌های انجام‌شده پرهیز می‌کند و روندهای آینده را در چهارچوب حدس‌های احتمالی صورت‌بندی می‌نماید.

بسیاری از شاخه‌های علوم انسانیِ اسلامی از نظر ماهیتی نیاز به آینده‌اندیشی و آینده‌نگری دارد. برای مثال، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مقوله‌ای آینده‌نگرانه است. تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مستلزم ساختن تصاویری از واقعیت‌های بدیل و سپس انتخاب یکی از تصاویر به‌منزلهٔ تصویر مطلوب است. آینده‌پژوهی می‌تواند بستر مناسبی را برای ساختن و خلق تصویر آیندهٔ مطلوب در مطالعات علوم انسانیِ اسلامی فراهم کند و همواره ذهن محقق علوم انسانیِ اسلامی را به آینده و گذار از وضع موجود معطوف سازد. برای پیشبرد این مقصودِ خود، یعنی آمیختن علوم انسانی اسلامی با آینده‌پژوهی، پنج شرط را باید در نظر گرفت:

۱. شفاف‌سازی اهداف و ارزش‌های علوم انسانیِ اسلامی؛
۲. توصیف روندهای علوم انسانیِ اسلامی؛
۳. تبیین شرایط علوم انسانیِ اسلامی؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

۴. تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل در علوم انسانیِ اسلامی؛
۵. ارزیابی گزینه‌های محتمل پیش روی علوم انســانیِ اسلامی و انتخاب مطلوب‌ترین گزینه به‌منظور تعیین خط‌مشی مناسب برای دستیابی به آن.

در بررسی موضوع آینده‌پژوهی و علوم انسانیِ اسلامی با دو مقوله روبه‌رو می‌شویم:

نخســت، آیندهٔ علوم انسانی اســلامی؛ این موضوع نوعی آینده‌پژوهی با موضوع علوم انسانی اسلامی است. بدین معنا که به‌دنبال مطالعهٔ علوم انسانی اسلامی در ظرف آینده هستیم. احتمالات و گزینه‌های محتمل، از جنبه‌های گوناگون برای آینده علوم انســانیِ اسلامی لحاظ و به‌شکل علمی طرح و بحث می‌شود.

دوم، علوم انسانی اسلامی آینده؛ علوم انسانیِ اسلامی که به آینده نگاه دارد و در پیِ پاسخ‌گویی به موضوعاتی اســت که در آینده رخ می‌دهد یا در پی پاســخ‌گویی به موضوعات کنونی اســت که به‌طور عینی در آینده ظهوروبروز پیدا می‌کنند.

آیندهٔ علوم انســانی اسلامی را باید به‌عنوان مطالعات مقدماتی برای علوم انسانی اسلامیِ آینده در نظر گرفت. جنبه‌هایی که در ذیل مطالعهٔ آیندهٔ علوم انســانی اســلامی جای می‌گیرد، گوناگون اســت. یکی از آنها پاســخ به این پرسش اســت که آیا علوم انسانیِ اســلامی در آینده قادر است همهٔ نیازهای جامعه را تأمین کند؟ و اگر ســهم خاصی در تأمین نیازها دارد، ســایر ســهم‌ها به چه دانش‌هایی مربوط می‌شود؟

پاســخ اولیهٔ پرسش روشــن اســت؛ زیرا حتی برای وضع کنونی هم تمام نیازهای ما، نیازهای علوم انسانی اسلامی نیســت، اما باید دید که در مطالعات آیندهٔ علوم انسانی اسلامی این نیازهای چندگانه و چندلایه انســان تا چه اندازه و هرکدام با چه اولویت‌هایی ظهوروبروز دارد؟ باید نگاهی دقیق به این حوزه داشــت. برای مثال، آیندهٔ علم فقه به دلایلی همچون دگرگونیِ فهم و درک فقیه از منابع و مدارکِ احکام و دگرگونی در موضوعات احکام نیاز به آینده‌نگری دارد. هر روز ممکن است دســته‌ای از موضوعات سابق که دارای حکم مشخص بوده‌اند، به جرگهٔ موضوعات جدید بپیوندند و حکم جدیدی را طلب کنند. مثلاً خریدوفروشِ خون در گذشــته حرام بوده اســت، اما هم‌اکنون آن را جایز می‌دانند. منشــأ این تغییر فتوا، تغییر موضوع است. می‌گویند چون اکنون امکان استفادهٔ عقلایی از خون وجود دارد، موضوع حرام بودن دگرگون شــده است. موضوع حرام بودن، خونی بود که امکان استفادهٔ عقلایی نداشت و اکنون امکان استفادهٔ عقلایی از خون وجود دارد.

نمونه‌های زیادی وجود دارد که در بســتر زمان بر اثر روابط سیاســی، اجتماعی و اقتصادی و وجود مصلحت‌هایی، برای آنها تغییراتی حاصل شــده و حکم جدیدی پیــدا کرده‌اند؛ مثل پیوند

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

اعضای بدن انسان‌ها، مجسمه‌سازی، ستاره‌شناسی، وضع زکات بر اسب در زمان علی (ع)، پوشش لباس، احیای موات و تصرف در انفال. همچنین در علم اقتصاد نیز تدوین برنامه‌هایی مفید برای آیندهٔ اقتصادی، نیازمند شناسایی مسئله‌ها و تنگناهای اقتصادیِ آینده و روش برخورد صحیح علوم اقتصادی کنونی با آنها و شناسایی نیاز به علوم اقتصادی نوظهور برای به گردش در آوردن چرخ‌های اقتصاد آینده است.

هم‌اکنون علوم انسانی اسلامی پویایی لازم را ندارد. با این تفاسیر، آینده که پیچیده‌تر است و شخصیت انسان هم چندلایه‌تر است، اگر سرگذشت علوم انسانی اسلامی در آینده مطالعه نشود، طبعاً در فضای تاریکی وارد صحنه می‌شود که ممکن است محتواهای عمیق خودش را نتواند به جامعه ارائه کرده و نفوذ و حضور مؤثری در آن بیابد.

با توجه به اینکه در آینده، موضوعات جدید، یکی پس از دیگری جای یکدیگر را می‌گیرند، گاهی موضوع قبل از اینکه فرابرسد می‌میرد و موضوع دیگری جای آن را می‌گیرد. موضوع وضعیت مطلوب علوم انسانی اسلامی در آینده باید در صدر مطالعات علوم انسانی اسلامی قرار گیرد. به این معنا که علوم انسانی اسلامی در چه شرایطی می‌تواند کارکرد و فعالیت مطلوبی داشته باشد؟ بنابراین اکنون باید آن شرایط را تدارک دید.

برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، ادبیات جامعهٔ آینده را نیز باید بررسی کرد؛ نوع مفاهمه و نوع مکالمه و نوع ارتباطی که جامعهٔ آینده با توجه به انفجار اطلاعات و رفتن به‌سمت وضعیتی پیچیده با آن روبه‌رو می‌شود. در این وضعیت آیا علوم انسانی اسلامی می‌خواهد ادبیات فعلیِ خودش را حفظ کند و در آینده جایگاه انفعالی داشته باشد یا باید برای این مقوله هم فکری کرد؟ روش عرضهٔ علوم انسانیِ اسلامی به جامعه، ازجمله مطالعات لازم در این زمینه است. گزینه‌های گوناگون را باید در مطالعات آینده‌پژوهی رصد و شناسایی کرد و با تعریف بهتری به‌سمت آن پیش رفت. در کنار بررسیِ «آیندهٔ علوم انسانیِ اسلامی»، بررسی «علوم انسانیِ اسلامی آینده» هم اهمیت دارد که حتی مهم‌تر و اصلی‌تر است. همان‌گونه که گفته شد، اینها موضوعاتی‌اند که تمام محورهای آن هنوز محقق نشده و بخشی از آن در آینده تحقق می‌یابد.

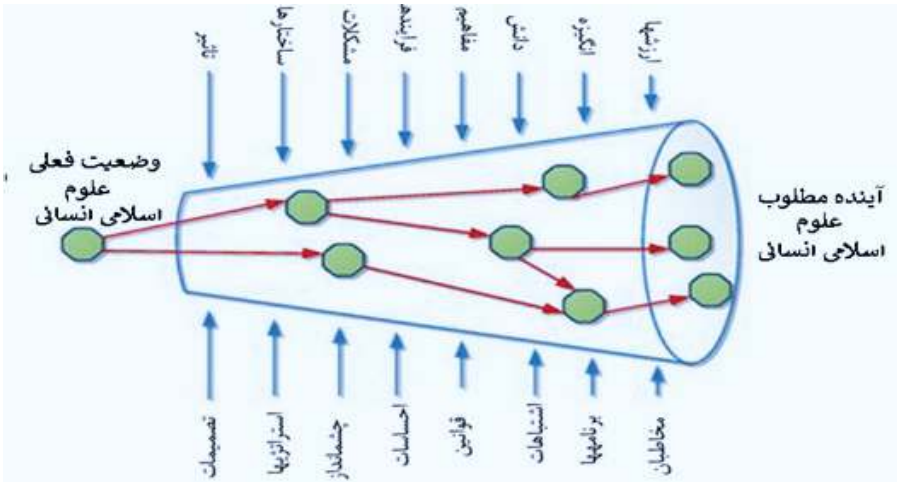
هویت بعضی از موضوعات مربوط به حال و آینده، توأمان با یکدیگر است و به هم ارتباط دارد؛ یعنی حال و آینده، با هم، ماهیت آن موضوع را تشکیل می‌دهند. برای نمونه، موضوعاتی وجود دارند که تا به آیندهٔ آنها نگاه نشود، نمی‌توان تمام واقعیت آن موضوع را در حال حاضر شناخت و حکمی برای آن ارائه کرد. شاید آینده بخشی از ذات این موضوعات پیچیده و مرموز باشد و برای تحقق، حال و آینده را توأمان با هم نیاز دارد؛ زیرا زمان حاضر، برای این موضوعات، عمر کوتاهی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

دارد و قبل از اینکه تحقق یابد، آینده جای آن را می‌گیرد؛ به این معنا که به‌شـــدت به آینده وابســـته است. بنابراین نمی‌توان این موضوع را بدون توجه به آینده مطالعه کرد.

با توجه به تقویت این اندیشه که آیندهٔ مطلوب، دست‌یافتنی است و بشر می‌تواند برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی کند، بنابراین ضرورت تصویرپردازی در حوزهٔ علوم انسانیِ اسلامی به‌منزلهٔ گامی مهم در دستیابی به آیندهٔ مطلوب اســـت. در مسیر دستیابی به آیندهٔ مطلوب علوم انسانی اسلامی، مؤلفه‌های گوناگون بســـیاری وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به چشـــم‌انداز، استراتژی‌ها، ســـاختارها، فرایندها، تصمیماتِ گرفته‌شده و ... اشـــاره کرد. در شکل زیر، عوامل دخیل و اثرگذار در مســـیر حرکت از وضعیت فعلی علوم انسانیِ اســـلامی به آیندهٔ مطلوب آن مشخص شده است (شکل ۲).



شکل۲. عوامل دخیل و اثرگذار در مسیر حرکت از وضعیت فعلی علوم انسانی اسلامی به آیندهٔ مطلوب آن

لزوم آینده‌پژوهی علوم انسانیِ اسلامی در دانشگاه‌های ایران

اغلب فعالیت‌های آینده‌پژوهی در کشـــور ناظر به ابعاد تکنولوژیکی و اقتصادی اســـت و در حوزهٔ علوم انسانیِ اســـلامی، تابه‌امروز، فعالیت چشمگیری انجام نشده است. از سوی دیگر، با عنایت به جایگاه مهم علوم انسانیِ اسلامی در ایجاد پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، اهمیت فعالیت‌های آینده‌پژوهی در این حـــوزه بیش‌ازپیش خود را می‌نمایاند. به‌طوری‌کـــه نهضت تولید علم در علوم انسانی، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، جنبش نرم‌افزاری در فرهنگ و آزاداندیشی در بنیان‌های دانش بر پایهٔ اصل استقلال فرهنگی و سیاسی، مهم‌ترین نیاز برای دستیابی به الگوی پیشرفت ایرانی‌اسلامی برای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

رسیدن به جامعه‌ای پیشـــرفته و عدالت‌محور است. بنابراین، باید پرداختن به آینده‌پژوهی و داشتن دیدگاهی آینده‌نگارانه را به عنوان یکی از ضروری‌ترین مسائل برای دانشگاه‌های فعال کشورمان در حوزهٔ علوم انســـانی اسلامی در نظر بگیریم و بکوشیم این مهم در تمامی ابعاد مدیریتی و توسعه‌ای مدنظر قرار بگیرد. در «جدول ۱» نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی مشخص شده است.

جدول ۱. نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی

هدف کلان دانشگاه	نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به هدف
تولید و اشاعهٔ دانشِ اسلامیِ تخصصیِ هدفمند در رشته‌های علمی لازم برای تولید، تحول و ارتقای علوم انسانی	– شناسایی حوزه‌های تحقیقاتی نوظهور در علوم انسانیِ اسلامی – تبیین نقش هریک از علوم انسانی اسلامی در طراحیِ آیندهٔ مطلوب جامعهٔ اسلامی **– تدوین نقشهٔ راه علوم انسانی اسلامی** – مشخص شدن ظرفیت‌ها و امکانات هریک از علوم انسانی اسلامی برای دستیابی به آیندهٔ مطلوب اسلامی – طراحی و تبیین مسائل نوپیدای علمی و فرهنگیِ پیش روی جامعهٔ اسلامی برای بهبود وضع معنوی و فرهنگی آینده – آگاهی علمای علوم انسانیِ اسلامی از شرایط و نیازهای زمان خود و آینده و مشارکت تمام اندیشمندان و فقها به‌منظور شکل‌بخشیدن به آیندهٔ اسلامی – چشم‌اندازسازی، تجسم و ایجاد تصویری غنی از علوم انسانی اسلامیِ آینده
تربیت نخبگان علمی متعهد به اسلام، منطبق بر دانشِ اسلامیِ تخصصی در رشته‌های لازم	– پیش‌بینی مشاغل لازم در آیندهٔ مطلوب جامعهٔ اسلامی و تربیت نخبگان – تبیین آرمان‌ها و ارزش‌های جدید و لازم برای تربیت نخبگان علمی به‌منظور دستیابی به آیندهٔ مطلوب اسلامی – مطالعهٔ گونه‌های آینده‌های مطلوب علوم انسانی اسلامی برای آماده‌سازی نخبگان – تربیت اندیشمند در حوزه‌ها و رشته‌های گوناگون علمی با اتکا به نقشهٔ راه علوم انسانیِ اسلامی
پی‌ریزی الگوی دانشگاه اسلامی	– گسترش قطب‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشیِ بومی‌محور با توجه به نقشهٔ راه علوم انسانی اسلامی برای تحولات شالوده‌شکنانه – شناسایی مسئله‌های آتیِ علوم انسانی اسلامی برای برخورد پیش‌دستانه و آینده‌نگرانه و آفریدنِ محیطی شایسته برای تکامل انسان‌ها – تبیین آیندهٔ مطلوب علوم انسانیِ اسلامی برای جذب اساتید برتر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

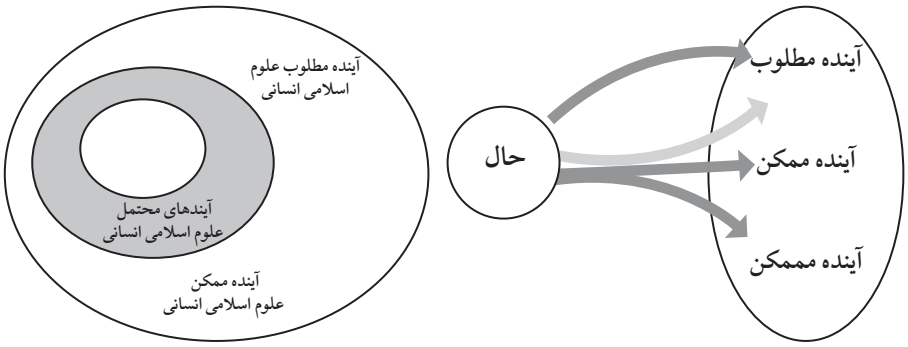
فرایند پیشنهادی آینده‌پژوهی علوم انسانیِ اسلامی براساس نظر جوزف وروس

برای آینده‌پژوهی علوم انسانیِ اسلامی با سه پرسش اساسی روبه‌رو هستیم:

۱. وقوع کدام آینده‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی ممکن است؟

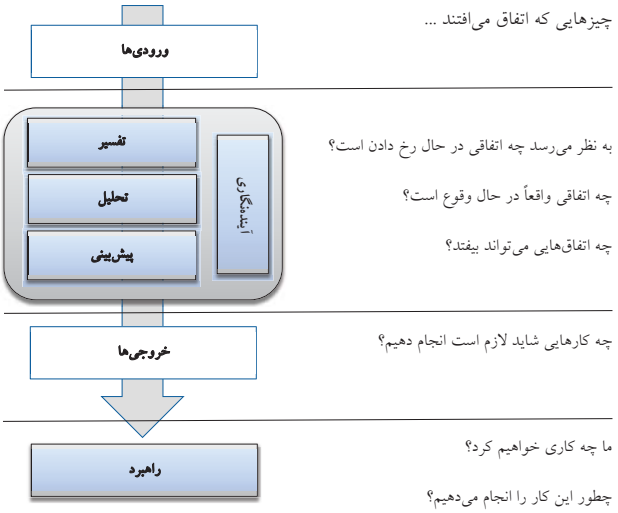
۲. وقوع کدام آینده‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی محتمل است؟

۳. وقوع کدام آینده‌ها در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی مطلوب است؟ (شکل ۳)



شکل۳. انواع آینده در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی

بنابراین به‌منظور آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی پیشنهاد می‌شود از فرایند آینده‌نگاری راهبردی براساس نظر جوزف وروس استفاده شود. چهارچوب فرایند آینده‌نگاری جوزف وروس، از چهار فاز کلی، همچون شکل ۴، تشکیل شده است.



شکل ۴. چهارچوب فرآیند آینده‌نگاری جوزف وروس (وروس، ۲۰۰۳، ص۱۲)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

گام نخست: ورودی‌ها

جمع‌آوری اطلاعات و بررســی آنها از نظر آگاهیِ استراتژیک. روش‌ها و چهارچوب‌های بسیاری بــرای این اصل وجود دارند که از بین آنها روش‌های دلفی و پویش محیطی شــاید بهترین گزینه‌ها باشند. ابزارها و روش‌های هوش جمعی نیز در اینجا به کار می‌آیند.

گام دوم: آینده‌نگاری

این گام را می‌توان به‌عنوان مرحله‌ای در نظر گرفت که شامل سه‌گام کوچک‌تر با توالیِ منطقی است. این گام‌ها عبارت‌اند از:

- تحلیل که گام نخســتینِ کار عمقی در نظر گرفته می‌شــود. پرسش اصلی چنین است: چه اتفاقی در حال وقوع اســت؟ برخــی ابزارهای رایج در اینجا عبارت‌انــد از: تحلیل روند، ماتریس‌های اثر متقابل و سایر روش‌هایی همچون فن‌های تحلیلی.
- تفســیر که عبارت است از این پرســش: درواقع چه اتفاقی می‌افتد؟ تفسیرّ در پی آن است که زیرسطحِ تحلیل موردنظر را بررسی کند تا ساختار و بینشی عمیق فراهم آید. این مرحله جایگاه مطالعات انتقادی، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تفکر سیســتمی و ســایر رویکردهای عمق‌بخشی نسبت به تفکر در خصوص آینده است.
- پیش‌بینی که با اســتفاده از آن، عملکرد نگاه هدفمند به آینده و ایجاد دیدگاه‌های آینده‌نگر، شــرح داده می‌شود. این مرحله جایی است که دیدگاه‌های گوناگون درخصوص گزینه‌های موجود به‌دقت بررسی یا ایجاد می‌شــوند. درواقع در اینجا سناریوها، تعیین چشم‌انداز یا روش‌های هنجاری واقع شده‌اند.

گام سوم: خروجی‌ها

خروجی‌های کار آینده‌نگاری، دوگانه اســت: ملموس و غیرملموس. برخی خروجی‌های ملموس می‌تواند شامل طیف واقعیِ گزینه‌های ایجادشده در فرایند تحقیق باشد. خروجی‌های غیرملموس نیز شامل مواردی نظیر تغییر در تفکرند.

گام چهارم: استراتژی

ازآنجاکــه پیش‌بینی و آینده‌نگاری کار خود را انجام داده‌اند، اکنون وقت آن اســت که نتیجهٔ کار به تصمیم‌گیرندگان ارائه شود تا استراتژی موردنظر را انتخاب و اجرا نمایند. نتایج فرایند استراتژی باید

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

به‌طـــور مداوم به اطلاع ورودی‌های کل چهارچوب پیش‌بینی برســـد، به‌گونه‌ای که ارزیابی دوباره، مداوم و اصلاحات دوره‌ای در طی مسیر استراتژیک انجام شود (وروس، ۲۰۰۳، صص۱۸-۱۳).

براســـاس نظر جوزف وروس، فرایند پیشـــنهادی مربوط به آینده‌نگاریِ راهبردیِ علوم انســـانیِ اســـلامیِ این پژوهش، در «شکل ۵» نمایش داده شده اســـت. در هر بخش از این فرایند، تعدادی روش استفاده خواهد شد که به‌تفکیک آمده است.

گردآوری داده‌ها

در حوزۀ علوم انسانی اسلامی چه‌چیزی در حال رخ دادن است: پیمایش فعالیت‌های انجام‌شده تاکنون در علوم انسانیِ اسلامی با داده/وب‌کاوی سایت‌ها و منابع الکترونیک، پویش محیطی در جامعه و برگزاری پنل‌های خبرگان

↓

تحلیل

چه روندهایی در حوزۀ علوم انســـانیِ اسلامی در شـــرف شکل‌گیری است: تحلیل روند رخدادهای مربوط به حوزۀ علوم انســـانیِ اسلامی، تحلیل تأثیر متقابل بین رخدادهای پیش روی علوم انسانی اسلامی، کشف مسائل نوپدید در علوم انسانی اسلامی با روش دلفی، طوفان فکری و تحلیل شبکه‌های اجتماعی

↓

تفسیر

حقیقت رویدادها در حوزۀ علوم انســـانیِ اسلامی چیست: تحلیل لایه‌ای-علّی رخدادهای مربوط به حوزۀ علوم انســـانیِ اسلامی، ایجاد تفکر سیستمی در حوزۀ علوم انسانیِ اســـلامی، تحلیل کلانِ تاریخیِ وقایع مربوط به حوزۀ علوم انسانیِ اسلامی

↓

چشم‌اندازسازی

در حوزۀ علوم انسانیِ اسلامی چه رخ خواهد داد: ترسیم سناریوهای پیش روی حوزۀ علوم انسانیِ اسلامی، چشم‌اندازســـازی در علوم انسانیِ اسلامی، پیامداندیشـــی رخدادهای آتی مربوط به علوم انسانیِ اسلامی (چه می‌شـــود اگر؟)، شناســـایی شگفتی‌سازهای علوم انسانیِ اســـلامی، به‌کارگیری روش‌های هنجاری و پس‌نگری برای دستیابی به راهکارهای ممکن به‌منظور نیل به آیندۀ مطلوب علوم انسانیِ اسلامی

↓

برون‌داد

برون‌داد ملموس: کسب بصیرت بین‌حوزه‌ای در علوم انسانیِ اسلامی، شکل‌دهی به گسترۀ گزینه‌های پیش روی علوم انسانیِ اسلام

شکل ۵. فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم اسلامیِ انسانی براساس نظر جوزف وروس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

با توجه به شـــکل شماره ۵، به‌راحتی می‌توان ســـه مرحلهٔ نخست از چهار مرحلهٔ روشِ آینده‌نگاری جوزف وروس را شناســـایی کرد (ورودی‌ها، آینده‌نـــگاری و خروجی‌ها)، ولی درخصوص مرحلهٔ چهارم که شـــامل استراتژی‌های لازم برای اسلامی‌سازی علوم انســـانی بوده است، این امر باید از ســـوی خبرگان این حوزه و در ســـطح کلان کشور مشخص شود. گفتنی اســـت که مطابق با روش آینده‌نگاری جوزف وروس، خروجی سه مرحلهٔ نخست، استراتژی‌ها (یا همان گام چهارم) است.

نتیجه‌گیری

تحول و تغییر، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و رونـــدی پیوســـته و طـولانی دارد. دگرگونی در همهٔ زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتـــداد داشـته و خواهـد داشـت. این تغییرات در آینده مســـئله‌هایی را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاســـی و . . . برای جامعه ایجاد خواهند کرد. یکی از حوزه‌های مهمی که باید توجه ویژه‌ای به آیندهٔ آن داشـــت، حوزهٔ علوم انسانی است.

نقش آشـــکار علوم انسانی در تبیین مبادی و مبانی علوم تجربی و ریاضی، مؤید جایگاه خطیر علوم انســـانی است و علوم انســـانی، عامل تعیین‌کنندهٔ اهداف، غایات و روش استفادهٔ علوم دیگر اســـت. علوم انسانی موجود در کشور، به‌رغم خوبی‌ها و خدماتی که داشته است، براساس مبانی و تفکرات اومانیســـتی، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انســـان غربی طراحی، تولید و تدوین شده‌اند. ازاین‌رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی‌کردن آنها بیش‌ازپیش بر همگان محرز است.

یکی از الزامات مهم برای شـــکل‌گیری تمدن نوین اســـلامی، اسلامی‌ســـازی و بومی‌ســـازی علوم انســـانی اســـت. علوم اسلامیِ انسانی، دیدگاهی اســـت که از تأکیدهای امام خمینی (ره) بر اسلامی‌کردن دانشگاه و سفارش‌های پرشمار مقام معظم رهبری (مدظله) بر تولید علوم و نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ دینی و بومی برآمده است. روند کنونی پیشرفت کشور نیز نشان می‌دهد نیاز جدی به نظریات بومی و کاربردی در حوزهٔ علوم انســـانیِ اسلامی، به‌شـــدت در فضای مدیریتی جامعه احســـاس شده و به فراخور آن می‌بایست بخش مدیریتی کشـــور، توجه ویژه‌ای به صاحب‌نظران و متخصصان حوزه علوم انسانی اسلامی نماید.

با مرور پژوهش‌های انجام‌شـــده در زمینهٔ اسلامی‌ســـازی علوم انسانی، آینده‌پژوهی با رویکرد اســـلامی و همچنین آینده‌پژوهی علوم انسانی، روشن شـــد که در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به مسئلهٔ آینده‌پژوهی علوم اســـلامی انسانی، توجه ویژه‌ای نشده اســـت و به‌تبع، فرایندی نیز برای آن وجود

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

ندارد؛ به این سبب و درحالی‌که تحول در علوم انسانی و سیاست‌گذاری کشور در جریان است، استخراج فرایندی برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، امری ضروری به نظر می‌رسد. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با تدوین نقشهٔ راه تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی که از سویی فرایند و مسیر تولید علوم انسانی از ابتدا تا گام‌های نهایی را در قالب الگویی اجرایی و معین ارائه کند و از سوی دیگر، وظایف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی گوناگون و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مؤثر در این حوزه را مشخص نماید.

با توجه به اهمیت موضوع آینده‌پژوهی علوم انسانیِ اسلامی، در این پژوهش کوشیدیم تا به تبیین آینده‌پژوهی و علوم انسانی اسلامی، لزوم آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌های ایران، نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی بپردازیم و فرایندِ پیشنهادی برای آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانیِ اسلامی را براساس نظر جوزف وروس ارائه کنیم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

کتابنامه

۱. احمدی، احمد، ۱۳۸۸، «جایگاه خطیر علوم انسانی»، **نشریهٔ پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی**، دوره ۱۴، شماره۲۱.

۲. فاضل قانع، حمید، ۱۳۸۸، «آینده‌پژوهی و جامعهٔ مطلوب اسلامی»، **فصلنامهٔ معرفت فرهنگی اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۱.

۳. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۰، **صحیفهٔ امام خمینی (ره)**، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۴. هلودی، موسی، ۱۳۹۵، **روشنای آینده**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۵. عرب بافرانی، محمدرضا و عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۹۶، «درآمدی بر آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعهٔ روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه»، **فصلنامهٔ مدیریت اسلامی**، دوره ۲۵، شماره ۳.

۶. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۴، «نظام نگرش آینده‌پژوهیِ اسلامی»، **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، دوره۴، شماره ۱۶.

۷. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۳، «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهیِ اسلامی»، **فصلنامهٔ مشرق موعود**، دوره ۸، شماره ۲۹.

۸. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۰، «نقش آینده‌پژوهان در شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی»، **فصلنامهٔ انتظار موعود**، دوره ۱۱، شماره ۳۶.

۹. واعظی، سید کمال؛ قمیان، محمدمهدی و وقفی، سید حسام، ۱۳۹۶، «آینده‌پژوهی در علوم انسانی با رویکرد مدیریت دانش؛ ملاحظات، دستاوردها و اثرات» **فصلنامهٔ علمی مدیریت سازمان‌های دولتی**، دوره ۵، شماره ۳ (پیاپی ۱۹).

۱۰. تیشه‌بار، ماندانا، ۱۳۹۱، **آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۱. عبدی، اسماعیل، ۱۳۹۲، «درآمدی بر آینده‌شناسی خط‌مشی ملی و تحول در علوم انسانی»، **فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی**، دوره۳، شماره ۵.

۱۲. تقوی، مصطفی، ۱۳۹۲، «علم انسانی اجتماعیِ اسلامی: مسئلهٔ امکان‌پذیری و راهبردهای رشد»، **فصلنامهٔ اندیشهٔ نوین دینی**، سال۹، شماره۳۴.

۱۳. کریمی، محمود، ۱۳۹۶، «مبانی انسان‌شناختی علوم انسانیِ اسلامی در قرآن کریم»، **نشریهٔ مطالعات قرآن و حدیث**، دوره۱۰، شماره۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]

۱۴. محیطی اردکان، محمدعلی و مصباح، علی، ۱۳۹۱، «بایدها و نبایدهای اسلامی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح»، **فصلنامهٔ معرفت فلسفی**، سال ۱۰، شماره ۱.
۱۵. همدانی، مصطفی، ۱۳۹۹، «نظریهٔ هنجاری در علوم انسانیِ اسلامی با تأکید بر روش اجتهاد»، **دوفصلنامهٔ علمی‌پژوهشی دین و سیاست فرهنگی**، شماره ۷.
۱۶. منطقی، محسن؛ الویری، محسن؛ رحمانی، جعفر و ابروش، رضا، ۱۳۹۷، «ارائهٔ مدل مفهومی روش‌شناسی آینده‌پژوهیِ اسلامی»، **مجلهٔ مدیریت فرهنگ سازمانی**، دوره ۱۶، شماره ۵۰.
۱۷. میرزاپور ارمکی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، «اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن»، **فصلنامهٔ رهیافت**، شماره ۴۹.
۱۸. میرنصیری، سید روح‌الله و ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۹۵، «هدف علوم انسانیِ اسلامی از منظر علامه طباطبایی، **فصلنامهٔ معرفت فلسفی**، شماره ۵۳
19. Voros, J, (2003), ʽA generic foresight process frameworkʼ, foresight, Vol. 5 No. 3.
20. Krawczyk & Slaugster, (2010), ʽNew generation of futures methodsʼ, Futures, Vol. 42, No. 1.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.2.2.8]